



وکیل نذری محمد نیرومند

شغنان- افغانستان

۱۵ جدی ۱۳۹۰

سپاس از تمام شما مردم شریف شغنان

به پاس اعتمادیکه بر من برای بار سوم به صفت نماینده ی خویش جهت اشتراک در لویه جرگه ها نمودید با حرمت بی پایان از فرد فرد شما هموطنان سپاس گزار و ممنونم.

چرخ درگردش اسیر هوش ماست

قالب از ما هست شد، نی ما از او

طعمه هر مرغکی انجیر نیست

شمس تبریز

باده در جوشش گدای جوش ماست

باده از ما مست شد، نی ما از او

بر سماع راست هر تن چیر نیست

بعد از درهم کوبیده شدن حاکمیت و امارت طالبان توسط جامعه بین المللی مبنی بر صدور قطعنامه مورخ 14 نومبر 2001 شورای امنیت و سایر قطعنامه های شورای

امنیت ملل متحد در ارتباط افغانستان در ماه دسامبر 2001 عیسوی جلسه در شهر بن جمهوری فدرالی آلمان با شرکت عده یی از نمایندگان یک تعداد از گروپ ها و اقشار افغانستان به اشتراک ایالات متحده ی امریکا و بعضی کشور های دیگر تحت سر پرستی ملل متحد دایر گردید و بتاريخ 5 دسمبر 2001 موافقتنامه یی توسط این نمایندگان به منظور ایجاد یک حکومت موقت برای ایجاد آشتی ملی، شناسایی حقوق مردم افغانستان و انتخاب و تعیین آینده یی کشور شان از لحاظ سیاسی به امضا رسید.

حکومت موقت بر طبق موادمین فیصله نامه بتاريخ 22 دسمبر 2001 تحت ریاست محترم حامد کرزی آغاز به کار نمود. از آن جائیکه در فیصله نامه میعاد کار حکومت موقت شش ماه تعیین گردیده بود و در ظرف شش ماه می بایست یک حکومت انتقالی توسط لویه جرگه اضطراری برای اداره مملکت ایجاد گردد. حکومت انتقالی بعد از ایجاد خود توسط لویه جرگه اضطراری در مدت دو سال شرایط و زمینه های لازم را برای ایجاد یک دولت سر تاسری و فرا گیر از طریق انتخابات آماده سازد. مبتنی بر این فیصله ها حکومت موقت جهت تدویر لویه جرگه اضطراری بتاريخ 13 جون 2002 نمایندگان ولسوالی ها و ارگانهای مربوطه کشور را دعوت نمود و متعاقب آن لویه جرگه دیگر را حکومت انتقالی بتاريخ 15 دسمبر 2003 به منظور تصویب قانون اساسی کشور دعوت و دایر نمود. و اخیراً هم لویه جرگه مشورتی را دولت اسلامی افغانستان بتاريخ 14 فبروری 2011 به منظور چگونگی امضای پیمان استراتیژیک با ایالات متحده امریکا و بحث پیرامون پروسه ی صلح در افغانستان دعوت و دایر نمود.

در طول این مدت تخمین ده سال که سپری گردید و سه لویه جرگه عنعنوی در مرکز کشور کابل دایر گردیدند، اینجانب بنا بر اعتماد شما همه مردم شریف شغنان اعم از زنان و مردان به صفت نماینده (وکیل) تعیین گردیدم و در هر سه لویه جرگه شرکت نمودم، بدین وسیله از صمیم قلب ابراز سپاس و شکران خود را برای فرد فرد مردم شریف خود شغنان اعم از مادران، پدران، خواهران، برادران، دختران و پسران خویش که شامل علما، روحانیون، محسن سفیدان، کسبه کاران، روشنفکران و خلاصه همه ی باشندگان شغنان تقدیم میدارم.

مبنی بر اعتماد بزرگ شما من هم هیچ گاهی هدایات و فرموده های شما را یک لحظه ویک ثانیه هم از یاد نبرده و وظیفه ایمانی و وجدانی خود دانستم تا در هر مرحله مشخص مشکلات و خواسته های شما را با مقامات مربوط مطرح و انعکاس بدهم. و اکنون بجا میدانم تا راجع به چگونگی شرکت در لویه جرگه ها و انعکاس خواسته های شما مردم شریف شغنان در ملاقات های رسمی با رئیس جمهور

افغانستان، معاونین رئیس جمهور، وزرا و عده ی از شخصیت های با نفوس و مطرح در سیاست و دولت افغانستان و نتایج آن مختصراً مروری داشته باشم تا اعتماد عظیم شما مردم را پاسخ نیک ولو اندکی هم باشد داده باشم. همان گونه که با چهره یک اسماعیلی پامیری در لویه جرگه اضطراری و قانون اساسی موضع گیری دموکراتیک من طی سخنرانی ها و سایر فعالیت ها جلب توجه حاضرین و در راس رئیس صاحب جمهور و وزرا را حاصل کرد و بالأخره نتایج آن ورود تغییرات در قانون اساسی منجمله پذیرش وشمولیت اقوام پامیری بصورت رسمی در قانون اساسی، پذیرش لسان های پامیری در چوکات لسان های ملی افغانستان، ثبت ودرج کلمه احوال تشخیصیه فقه مذاهب شیعه در افغانستان به عوض فقه جعفری، تحصیل اوامر دهها پروژه ی عام المنفعه بخاطر عمران و بازسازی مناطق اسماعیلی نشین پامیر و مخصوصاً شغنان گردید و شما خود ناظر آن استید.

این بار نیز با چنین روحیه وطن پرستانه من حیث یک فرزند صادق این دیار طبق نظریات و هدایات شما در کار لویه جرگه عنعنوی شرکت نمودم. آجندا جرگه که راجع به امضای پیمان استراتژیک با ایالات متحده امریکا و شرایط تامین صلح و ثبات در افغانستان بود، فعالانه در کمیته یازدهم لویه جرگه سهیم بودم که بالاخره به اساس مجاهدت مشترک در قطار سایر نماینده گان اسماعیلی پامیر یکجا با سایر نماینده گان روشن اندیش بدخشان وکشور ما افغانستان قطعنامه لویه جرگه در این مورد به تصویب رسید. علاوهً طی ملاقات های جداگانه که در ختم لویه جرگه با جلالتمآب رئیس جمهور افغانستان و ضمن اجازه سخنرانی یکه یافتم یک سلسله خواسته ها و مطالب که ضرورت بود پیشکش نمودم و اوامر رسمی را در مورد تحکیمات مرزی در برابر طغیان دریای آمو، ساختار شاهرها موثر رواستندرد درجه دو اشکاشم شغنان، توسعه بعدی کلنیک جامع شغنان به سطح شفاخانه، ایجاد کلنیک های جدید در قراء و قصبات، عمران و بازسازی مکاتب، مطالبه کمک های اضطراری ناشی از خسارات برف وباران اخیر، توسعه روابط و همکاری همه جانبه مرزی میان افغانستان و تاجکستان و بطور اخص مطالبه سهم قابل ملاحظه اسماعیلیان پامیر بدخشان در اداره امور ولایت بدخشان و دفتر ریاست جمهوری در کابل را تحصیل و انشاله در آینده نزدیک منصفه عملی پیدا خواهد کرد.

در اخیر یکبار دیگر از شما اظهار سپاس نموده یاد آور میشوم که در فرصت مناسب جریان را مفصلاً در یک نشست از نزدیک گزارش خواهم داد. عجالتاً به ارائه مطالب فوق الذکر اکتفا نموده به شما مردم شریف پامیر بدخشان در داخل و خارج کشور مراجعه نموده آرزو مینمایم تا تمام مسایل گذشته را کنار گذاشته و در راه وحدت و اتحاد خود که ضامن پیروزی ما و شما در شرایط فعلی همانا وحدت و

یکپارچگی ما در چوکات مذهب اسلامی میباشد حفظ نماییم. هر کدام ما در هر جائیکه زنده گی مینماییم مسئولیت داریم تا در این راه گامهای متین و استوار بر داریم. مخصوصاً وطندارانیکه در خارج از کشور چه در اروپا، کانادا و امریکا و سایر کشور ها زندگی دارند میتوانند از طریق صفحات انترنتی و سایر رسانه های جمعی حقایق امروز را به اطلاع مردم خویش رسانیده، در بسیج نمودن شان سهم وطن پرستانه خویش را ایفا نمایند و کمک خود را به هر نوع و شکلی که میتوانند دریغ نکنند.

میخواهم از محترم نور علی (دوست) که در تابستان سال جاری 1390 از کانادا به ولسوالی شغنان آمده بودند و مردم را به وحدت و یکپارچگی تشویق نموده طی محفل در ایجاد کمیسیون وحدت قومی شغنان اولین گام استوار را با ما برداشتند اظهار قدر دانی نمایم. علاوه از پیام شغنانی های مقیم کانادا و اروپا و پیام های افراد و اشخاص انفرادی در ارتباط نشست آغازین ما به خاطر وحدت و یکپارچگی تمام شغنانی ها که در جماعت خانه خنورگ تدویر یافت قدر دانی نموده سپاسگذاری مینمایم. و از تمام شما روشنفکران شغنان چه در بیرون کشور استید و چه در شهر های دیگر در داخل افغانستان تقاضا می نمایم که در این راه ما را تنها نگذاشته، درپیش برد این آرمان مقدس با ما یکجای بوده و از هیچگونه همکاری خود دریغ نکنید.

با عرض حرمت دوستان نهایت خوب و بادانش با تقدیم شعر شمس تبریز همه ی شما را به یک دلی و اتحاد با صداقت و پاک دلی دعوت میکنم.

آن یکی آمد در یاری بزد
گفت من، گفتش برو هنگام نیست
خام را جز آتش هجر و فراق
چون توئی تو هنوز از او نرفت
رفت آن مسکین و سالی در سفر
پخته گشت آن سوخته پس بازگشت
حلقه زد بر در به صد ترس و ادب
بانگ زد یارش که، بردر کیست آن؟
گفت اکنون چون منی، ای من در
چون یکی باشد همه، نبود دوئی
نیست سوزن را سر رشته دو تا
رشته را با سوزن آمد ارتباط

گفت یارش کیستی ای معتمد؟
بر چنین خوانی مقام خام نیست
که بزد؟ که وار هاند از نفاق؟
سوختن باید تو را در نار تفت
در فراق یار سوزید از شرر
باز گرد خانه ی انباز گشت
تا بنجد بی ادب لفظی ز لب
گفت بر در هم تویی ای دلستان
نیست گنجایی دومن در یک سرا
هم منی بر خیزد آنجا، هم توئی
چون که یکتایی در این سوزن در
نیست در خور با جمل سم الخیاط